

هیأت داوران نشریه در دوره قبل

دکتر الماسی محمد (دانشگاه کاشان)
دکتر امیدخواه محمدرضا (دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر بابالو علی اکبر (دانشگاه صنعتی سهند)
دکتر پنجه‌شاهی محمدحسن (دانشگاه تهران)
دکتر تقه الاسلامی ناصر (دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر جعفری نصر محمدرضا (پژوهشگاه صنعت نفت)
دکتر رشیدزاده مهدی (پژوهشگاه صنعت نفت)
دکتر روشن ضمیر سوسن (دانشگاه علم و صنعت ایران)
دکتر زاهدی فرد مصطفی (دانشگاه کاشان)
دکتر زبودار مرتضی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)
دکتر صادقی مرتضی (دانشگاه صنعتی اصفهان)
دکتر صالحی محمدعلی (دانشگاه گیلان)

دکتر عبدلی محمدعلی (دانشگاه تهران)
دکتر غربی حسین (دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر قائمی مهدی (دانشگاه گلستان)
دکتر کاظمینی محمد (دانشگاه صنعتی شریف)
دکتر مدائنی سید سیاوش (دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر موسوی محمود (دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر وفاجو لایلا (دانشگاه آزاد اسلامی - تهران جنوب)



اندر باب نظام‌نامه پژوهشی و فناوری صنعت نفت

انگیزه نوشتن این مقاله برمی‌گردد به گویی که چندی پیش در خلال یک جلسه با سردبیر محترم نشریه مهندسی شیمی ایران داشتم. صحبت به پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با صنعت نفت من و ایشان و مشکلاتی که در این خصوص وجود داشته است و نظام‌نامه پژوهشی جدید وزارت نفت کشید. من انتقادات جسته و گریخته خود را مطرح کردم و ایشان سرمقاله‌ای را که در نشریه مهندسی شیمی ایران نوشته شده بود. نتیجه این گپ، مقاله حاضر است که در آن من نقد هرچند اجمالی خود را نسبت به این نظام‌نامه بیان کرده‌ام.

اول از همه ظاهراً نظام‌نامه پژوهش و فناوری وزارت نفت که بالغ بر ۲۰۰ الی ۳۰۰ صفحه می‌باشد و در سرمقاله شماره ۵۸ نقاط ضعف و قوت آن بیان شده بود، مطرح گردید. نقد اولی که من به این نظام‌نامه دارم این است که چرا مسئولین وزارت نفت و مشاوران محترمشان نظام‌نامه‌ای به این عریض و طویلی نگارش کرده‌اند که به‌خاطر نوشتن و استقرار آن مجبور شوند پژوهش در صنعت نفت را سه سال تعطیل کنند.

در این رابطه نظر خواننده محترم را به چند نکته ذیل جلب می‌کنم:
نکته اول: اساساً آیا ضعف پژوهش در صنعت نفت در سال‌های قبل از استقرار این نظام‌نامه، نبود نظام‌نامه بوده که این‌قدر مسئولین وزارت نفت به این امر اهمیت داده‌اند. و حالا که داده‌اند لایه برای نوشتن چنین نظام‌نامه عریض و طویلی اول نظرات و مشکلات کلیه محققین و مدیران پژوهشی داخل وزارت نفت و همچنین محققین مرتبط با صنعت نفت در مراکز خارج از وزارت نفت را به‌طور کامل شنیده و به‌صورت علمی تجزیه و تحلیل کرده‌اند تا مشکل یا به اصطلاح «بیماری» موجود درست شناسایی شود. سپس رفته‌اند و از زبده‌ترین محققین و مدیران پژوهشی داخل کشور برای گرفتن راه‌حل برای مشکلات پژوهشی شناسایی شده در مرحله اول راه‌حل خواسته‌اند. همچنین هم‌زمان سعی کرده‌اند که راز موفقیت مؤسسات پژوهشی بزرگ و بسیار موفق در دنیای پیشرفته صنعتی (منظورم بورکینو فاسو یا میانمار نیست!!) را کشف کرده و در نهایت از مجموعه اینها برای راهبرد امر پژوهش در صنعت نفت استفاده کنند. آیا واقعاً اینچنین بوده است؟ من که شک دارم. اگر اینطور بود اولاً مسئولین شرکت نفت اصلاً به خود اجازه نمی‌دادند که حتی یکروز هم روند پژوهش در صنعت نفت را متوقف یا کند کنند و بعد هم نتیجه این نظام‌نامه حاضر نمی‌شد. متأسفانه در زندگی واقعی نیت خوب به هیچ وجه نتیجه خوب را تضمین نمی‌کند. یک ضرب مثل انگلیسی می‌گوید: «راه جهنم با نیت خوب فرش شده است».

نکته دوم: مثلاً تصور کنید شهرداری تهران به‌منظور آسفالت کردن یکی از بزرگراه‌های مهم شهر آن را برای چندین ماه ببندد. آن‌وقت آیا شما نمی‌گویید که یا آسفالت کردن فقط بهانه بستن این بزرگراه مهم و حیاتی در حمل نقل داخل شهری در تهران توسط شهرداری بوده است و یا اگر آسفالت کردن واقعاً دلیل بوده است نه بهانه، اینها اصلاً آسفالت کردن بلد نیستند. حالا چیزی که تأسف‌بار است کاری نیست که در چند سال اخیر در وزارت نفت انجام شده است: بنظر من خرده‌ای بر کسانی که نظام‌نامه را نوشتند وارد نیست چون بیشتر از این نمی‌دانستند و نمی‌دانند. ایراد بر مایی وارد است که شاید می‌دانیم ولی مثل یک کبک سرمان را در برف فرو می‌کنیم تا نینیم و در نتیجه دمی بر نمی‌آوریم. انتظار نباید داشته باشیم که سرنوشت قومی این چنین، بهتر از این باشد که هست.

نکته سوم: من دو تجربه شخصی مرتبط با فرایند تهیه و استقرار نظام‌نامه پژوهشی فوق‌الذکر در وزارت نفت داشتم که شرح آنها خالی از لطف نخواهد بود. تجربه اول مربوط به یک پروژه با شرکت پالایش و پخش می‌باشد که با وجود اینکه گزارش نهایی آن حدود دو سال پیش ارسال و مورد تأیید قرار گرفت حدود نصف اعتبار آن تا این لحظه که من مشغول نوشتن این مقاله می‌باشم به‌دست مجری آن که من می‌باشم نرسیده است. نکته جالب این امر نیست که این امری بسیار متداول در ایرانی است که حقوق شهروندی نه به‌طور جدی رعایت می‌شود و نه به‌طور جدی مطالبه. نکته جالب این است که یکی از دلایلی که برای دیر پرداخت شدن اعتبار پروژه به‌صورت شفاهی اعلام شد لزوم اسقرار یافتن نظام پژوهشی جدید قبل از هرگونه تسویه با پروژه‌های قبلی بوده است! تجربه دوم برمی‌گردد به پیشنهاد مفصلی که دو سه سال پیش به یکی از بخش‌های شرکت نفت ارائه و سپس به‌خاطر اینکه طبق نظام‌نامه جدید روند اعلام پیشنهاد سرتو شده است (یعنی شرکت نفت نیازهای خود را به دانشگاه‌ها اعلام می‌کند و نه دانشگاه‌ها پیشنهادهای خود را به صنعت نفت) پیشنهاد مورد تأیید قرار نگرفت. بازهم این نکته قسمت جالب مسئله نیست بلکه نکته جالب این است که همین پیشنهاد (حتی با حفظ نگارش پیشنهاد دهنده‌های اصلی!) اخیراً از طرف یکی از بخش‌های صنعت نفت به‌عنوان پیشنهاد صنعت نفت به دانشگاه‌ها اعلام گردید! یعنی براساس نظام‌نامه جدید ایده‌های دانشگاهیان را باید از یک گروه محقق بگیرید و به‌عنوان ایده خودتان به همه‌شان اعلام کنید! یا به عبارت ساده تر لقمه‌ای را که می‌شود با چند بار چرخاندن دور سر وارد دهان کرد چرا مستقیماً بچوریم!!

در پایان آیا نقش و رسالت واقعی و حیاتی دانشگاه در نظام‌نامه پژوهش و فناوری وزارت نفت دیده شده است؟ اینکه به مراکز پژوهشی داخل وزارت نفت بهای خیلی بیشتری در مقایسه با دانشگاه‌ها داده شود امری بسیار عاقلانه و درست است. یکی از استنباط‌های غلط و بسیار ساده اندیشانه از رابطه صنعت و دانشگاه در سال‌های بعد از انقلاب در ایران همین بوده است که دانشگاه‌ها مراکز پژوهش صنعت هستند، که البته نیستند. مؤسسات و صنایع باید پژوهش مورد نیاز خود را خود انجام دهند ولی دانشگاه‌ها یک نقش حیاتی و کلیدی در این ارتباط دارند و آن پرورش نیروی محقق با توانایی بالا جهت انجام امور پژوهشی در این مراکز است. آیا این نقش در حال حاضر درست ایفا می‌شود؟ آیا به این نقش اهمیت کافی در حال حاضر داده می‌شود؟ نکته دوم تفاوت پژوهش صنعتی و دانشگاهی است. واقعاً آیا بین پژوهشی که رسالت مراکز تحقیقاتی صنعتی است با پژوهشی که رسالت دانشگاه‌ها است تفاوت ماهوی وجود ندارد؟ آیا این تفاوت آن‌طور که باید در حال حاضر توسط هم دانشگاهیان و هم صنعتگران در ایران درک می‌شود؟ جواب به این سؤالات هر چه باشد فکر نمی‌کنم که در نظام‌نامه فوق‌الذکر به این دو مسئله مهم - که به نظر من مسائل کلیدی در ارتباط صنعت و دانشگاه هستند - نیم نگاهی هم شده باشد.

دکتر بابک بندگان پور

عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر